

گزارش فردا

خط قرمز؛ پلاستیک

• اگر به مرکز دفن زباله کهریز بروید، معنای خطرناک بودن کیسه‌های نایلونی و پلاستیک‌های دفع‌شده را بهتر درک خواهید کرد، اما این نگرانی فقط مربوط به ایران نیست، جهان نسبت به این‌همه نایلون و پلاستیک در حال استفاده از سوی بشر اظهار نگرانی می‌کند چراکه براساس همان آمار رایج و آشنا، برای جذب این مصنوعات در دل طبیعت، باید هزاران سال صبر کرد و شاهد مرگ حیوانات، آبریان و آلودگی جسم و جان جهان بود. اگر آن طرف دنیا، پاپ‌توبه‌های محیط‌زیستی خود را منوط به بهترکردن شرایط زندگی امروز کرده، در این‌سو از جهان، چندسالی است که فعالیت‌های مردمی و خودجوش برای مقابله با مصرف بی‌رویه کیسه‌های نایلونی و پلاستیک‌ها و ظروف یک‌بارمصرف به راه افتاده است. نمونه مشهورش، کمپینی است که چند سال پیش کار خود را آغاز کرد و شعارش «نه به کیسه پلاستیکی» بود. اساس این کمپین بر کاهش مصرف پلاستیک در میان خریداران متمرکز شده بود و برگزارکنندگان آن با استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای و بازیافتی، سعی می‌کردند سرانه بالای مصرف کیسه نایلونی در کشور را کاهش دهند. کمپین «کیسه‌های دوستدار طبیعت» هم یکی دیگر از همین تلاش‌هاست که با هدف جایگزین کردن کیسه‌های بازیافت‌شده با موادی چون کاغذ راه‌اندازی شده است. از سوی دیگر، برخی از کمپین‌ها از دل شهرهای توریستی و گردشگری بیرون آمده‌اند؛ کمپین‌هایی که تلاش می‌کنند اکوسیستم‌های مختلف را از زباله‌های تلنبارشده، پاک‌سازی کنند. کمپین «جمع‌آوری پلاستیک‌های رهاشده» اولین بار سه سال پیش در استان گیلان شروع به کار کرد و براساس برنامه، پنجشنبه هر هفته، داوطلبان به پاک‌سازی مناطق گردشگری این استان پرداختند. حالا اما در کویر مصر هم کمپینی مشابه با عنوان «کویر زیبا» راه افتاده که همین برنامه را در مناطق صعب‌العبور این مکان گردشگری انجام می‌دهد. شاید تا به حال نمی‌دانستید، اما ایران یکی از ۱۰ کشور نخست دنیا در مصرف پلاستیک است و تولید روزانه این محصول شیمیایی در کشور، ۵۰۰ تن بوده که آن را به خط قرمزی برای محیط زیست کشور بدل کرده است. در برابر چنین حجم تولیدی، کمپین‌های ریزودشت بسیاری آغاز به فعالیت کرده‌اند؛ از کمپین‌های موردی مثل کمپین «جمع‌آوری ظروف یک‌بارمصرف محرم و صفر» که در سال ۸۸ به راه افتاد و هنوز در نزدیکی‌های ایام شهادت امام‌حسین(ع) فعالیت خود را آغاز می‌کند تا کمپین «کمربند سبز دریا» در استان بوشهر که کارش جمع‌آوری فصولی پلاستیک‌های رهاشده روی سطح آب خلیج فارس است.

شتر

روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۵ • ۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ • ۷ سپتامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۷۶ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۴۱ • اذان صبح فردا ۵:۱۶ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سازان خادم



مشتری کافه وسط

اکتشاف یک لایه از چند لایه یک هنرمند کشف نشده!

احتیاجی به موافقت من نیست». بعد سفارش جای سبز می‌دهد. کارسون لحظاتی بعد با لیوان چینی مخصوص جای سبز سر می‌رسد. چپی همچنان متحیر از او می‌پرسد: «تو دیگر چرا؟» کارسون که در جریان نیست، متعجب می‌گوید: «چی را چرا؟» چپی می‌پرسد: «تو دیگر چرا گرمکن تنت کردی؟» کارسون می‌گوید: «برای کلاس فوتبال. امروز تمرین داشتیم». چپی که از این‌همه جواب‌های عجیب‌وغریب کفری شده، می‌پرسد: «تو این سن‌وسال رفتی فوتبال؟! مرد حسابی یک عمر رفتی دنبال یادگیری سینما که بعدش سر از فوتبال دریاوری؟! تو که می‌خواستی فوتبالیست شوی چرا این‌قدر کتاب راجع به سینما خریدی؟» کارسون که خودش خوشحال به نظر می‌رسد، می‌گوید: «گفتم بروم فوتبال شاید برای داوری فیلم‌های جشن سینما دعوتم کنند! این‌طوری زودتر به سینما می‌رسم. موافقتی که؟»

چپی متوجه نبود که از همان ابتدا همه مشتری‌های کافه لباس ورزشی به تن داشته‌اند. آن روز خبرهایی بود

«نه، مهم‌تر از آن». چپی باز می‌پرسد: «مگر مهم‌تر از المپیک هم هست؟» راستی همچنان شادوشنگول می‌گوید: «مجلس». چپی با همان لحن کنجکاو می‌پرسد: «مجلس؟! راستی که حالا با جوله مشغول خشک‌کردن عرق سرورکردن خود است. خنده‌کنان می‌گوید: «گفتم شاید لازم شود. کار است دیگر». چپی که هنوز متوجه منظور او نشده، می‌پرسد: «یعنی چه شاید لازم شود؟ داری شوخی می‌کنی؟» راستی خونسرد و با اعتمادبه‌نفس می‌گوید: «شوخی‌ام کجا بود. دارم جدی حرف می‌زنم. شما متوجه نیستی بعضی‌وقت‌ها «مشت» به کار می‌آید. همیشه که نمی‌شود حرف زد». چپی که از طرز پاسخ‌دادن او کلافه شده، می‌پرسد: «به چه کاری؟» راستی که از کنجکاو چپی سر ذوق آمده، می‌گوید: «بعضی خبرنگارها که سر راحت سبز می‌شوند خطرناکند. باید مراقب بود. نمی‌شود بدون آمادگی با آنها روبه‌رو شد. ممکن است اتفاقی بیفتد. همیشه باید آماده بود. موافقتی؟» چپی که از جواب‌های او سردرگم شده، می‌گوید: «خودت می‌بری و خودت هم می‌دوزی.



مهرداد حجتی

چپی روی صندلی لهستانی نشسته است و دارد روزنامه می‌خواند. یک‌عالمه اتفاق و یک‌عالمه نام. عکس یک نفر با سر گرد کم‌مو را هم انداخته‌اند که دستش را بلند کرده، انگار که خواسته باشد کسی را بزند. در همین موقع راستی عرق‌ریزان و نفس‌نفس‌زنان از راه می‌رسد. با لباس گرمکن ورزشی بر تن و ساک ورزشی بر دوش. هنوز نشسته، یک لیوان آب را لاجرم سر می‌کشد و دهانش را با آستین خشک می‌کند. به محض نشستن، چپی متعجب و کنجکاو می‌پرسد: «این چه سرووضعی است؟ چرا این‌قدر عرق کرده‌ای؟» راستی ضمن سرکشیدن دومین لیوان آب بیخ می‌گوید: «الان دارم از باشگاه می‌آیم. از امروز تمرین یوکس را شروع کرده‌ام». چپی که هنوز تعجبش برطرف نشده، می‌پرسد: «می‌خواهی بروی المپیک؟» راستی که سرحال و سرپنجه به نظر می‌رسد، می‌گوید:



پوریا عالمی

ترجمه یک نامه به زبان ساده

اکاذیب و تشویش اذهان عمومی برعلیه خدمت‌گزاران زحمتکش نظام سلامت نشود...
(این‌احدی که این‌طوری نوی نامه تهدیدش کردند من و شمای معمولی هستیم، محتوای نامه در یک خط این است: بین داداش، اون که کیارستمی بود اون‌طوری شد، این هم که مهرجویی به این‌طوری).
- بدیهی است در صورت عدم اقدامی مناسب؛ یکایک امضاکنندگان این نامه... با طرح شکایت نسبت به جناب مهرجویی از حیثیت حرفه‌ای و حقوق حقه و قانونی خود دفاع کنند.
(این سطر هم یعنی شما شکایت کردی، دکتراه حق دارد فرداش ازت شکایت کند چون آبروش را بردی).
وصیت: سوغیا می‌دانی چرا این نامه را، هم پزشکان امضا کردند، هم دندان‌پزشکان؟ چون دندان‌پزشکان کارشان بررسی دهان بیماران و سرویس آن است.
پوزش و عذرخواهی: ما پیشاپیش از انتشار این نامه که ممکن است امضاکنندگان نامه را برنجانند، اما خودشان آن را منتشر کرده‌اند، پوزش می‌طلبیم. نمی‌دانیم چطوری است که ما منتشر می‌کنیم، می‌رنجند، خودشان منتشر کنند، نمی‌رنجند.

(طرف می‌رود کلی اطلاعات می‌فرشد وبعد می‌رود توی ماهواره به همه فحش می‌دهد و بعد برمی‌گردد داخل، فوق‌فوقش به اتهام تبلیغ دستگیر می‌شود. خدا را شاکر هستیم این پزشکان و دندان‌پزشکان ضابط قضائی نیستند).
- (بعد هم بعضی دکتراها عادت کرده‌اند بدون معاینه نسخه طرف را بیچند. تشخیص جرم کار دادگاه است و اینها اتهام می‌تواند باشد. مگر اینکه پزشکان ما نسخه مهرجویی را هم پیچیده باشند).
- برای اقدام قضائی مناسب و عادلانه نسبت به اظهارات هتاکانه و به‌دور از اخلاق جناب داریوش مهرجویی،
- (این مسئله اخلاق را گویا معلم اخلاق جامعه پزشکی به مهرجویی گوشزد کرده، همان که با پلاکارد جلو بیمارستان، بی‌تی را که قرن‌هاست همه اخلاقی‌ها دارند سعی می‌کنند از ادبیات پاکش کنند، با خط درشت نوشت و... «هر معرفتی که مرد بنگی گوید...» مصرع دومش بماند).
- من بعد بهانه‌هایی چون داغدار بودن که صدالبته قابل‌درک است، دستاویزی جهت احادی برای افترا، نشر

ریاست محترم سازمان نظام پزشکی (ما یا رئیس می‌توانیم صحبت کنیم نه به ریاست، این خطا البته در همه نامه‌های رسمی فراگیر شده که طرف دارد انکار با جای یکی دیگر صحبت می‌کند به جای اینکه با خود طرف حرف بزند). جناب آقای دکتر زالی، سلام علیکم
- اینجانبان جمعی از پزشکان و دندان‌پزشکان، از جنابعالی تقاضا داریم جهت برخورد اصولی و هدممند با کلیه توهین‌کنندگان حقیقی، حقوقی و رسانه‌های مجازی و غیرمجازی؛
(یعنی اگر کسی فامیل و عزیزش برود بیمارستان و بمیرد یا ناقص شود، طرف نباید توی اینترنت بنویسد، فرداش باید برود آب‌خاک بخورد. درکل ایده اصلی بعضی از پزشکان گویا این است که آنها کارشان درست است منتها بیمار کارش را خوب انجام نمی‌دهد و می‌میرد).
- درخصوص اظهارات جناب آقای داریوش مهرجویی در مراسم ختم مرحوم عباس کیارستمی خطاب به جامعه پزشکی؛ به جرم توهین، تشویش اذهان عمومی، افترا و نشر اکاذیب؛

سامسونگ

SAMSUNG

۳ دستگاه

BMW X4

برای خریداران تلویزیون ۴۰" و بزرگتر



دومین برنده مشخص شد

دقیقا در زمانی که قرار بود و همانطور که قول داده بودیم

قرعه کشی برای دومین دستگاه از سه دستگاه BMW X4 در روز سه شنبه ۹۵/۰۵/۲۶ برگزار و آقای فرشاد پور آیین ، خریدار یکدستگاه تلویزیون ۵۵ اینچ سری 9000 از شهر تهران طی قرعه کشی انجام شده در حضور هیئت نظارت

برنده یکدستگاه BMW X4 شدند.

فقط با ضمانت
۸۲۵۵-۰۲۱ سرویس

برای اطلاع از شرایط حتماً به سایت سام سرویس مراجعه فرمایید.

تابستانه‌ی داغ

۳۵,۰۰۰,۰۰۰

ریال

تخفیف نقدی تا

فقط برای مدت محدود